

عجایبها

محمد پروین
گنابادی

متقدمان در جمع بستن کلمه‌ها شیوه‌ای داشتند که در نظم و نثر معاصر متروک شده است و چه بسا که برخی از مردم بی اطلاع از تحولات زبان و قواعد آن، چنین شیوه‌ای را بقیاس با زبان معاصر نادرست پندارند چه امروز هیچکس جمعهای مکسر تازی را بار دیگر به (ها)ی علامت جمع فارسی نمی‌بندد و در مثل (کتب‌ها) بکار نمی‌برد و اگر چنین کلمه‌هایی در نوشته‌های معاصران دیده شود بی‌تردید غلط و حاکمی از بی اطلاع نویسنده یا گوینده از قاعده‌های زبان تازی و فارسی است لیکن در نوشته‌های نویسندگان و شاعران همچون بلعمی و منوچهری و همطبقه‌های آنان که بهر دو زبان تازی و فارسی احاطه کامل داشتند، هیچکس نمیتواند کلمه‌هایی چون عجایبها و منازلها و صد ها کلمه‌های مشابه آنها را غلط پندارد بهمین سبب دوست دانشمند نگارنده آقای دکتر معین در رساله (مفرد و جمع) خویش صدها نمونه از این گونه جمعها از شاعران و نویسندگان مقدم را گرد آورده و آنها را در زمره خصوصیهای نظم و نثر متقدمان شمرده‌اند. درباره علت بکار بردن چنین کلمه‌هایی هنوز نمیتوان حکم قطعی صادر کرد چنانکه آقای دکتر معین هم در طرحهای دستوری خویش بگرد آوری قاعده‌های پراکنده با آوردن شواهد اکتفامی کنند و بجز در قاعده‌های مسلم حکم

قطعی را به آینده موکول می سازند چه تا هنگامیکه نوشته مستدل و مستندی از خود متقدمان بدست نیاید باید به برخی از حدسها و قیاسها استناد جست و یا آنگاه که همه منتهای متقدمان بطور استقرای کاملی بررسی شود، شاید بتوان نظر قطعی تری بیان کرد و گرنه بی استقرای جامع و همه جانبه حکم کردن همانند بحثی در باره همین جمع در یکی از کتب دستور معاصران خواهد بود که در ذیل قواعد جمع نوشته بودند:

اسم خاص جمع بسته نمیشود مگر هنگامی که بمعنی مانند و نوع باشد چنانکه گویند: ایران فردوسها و سعدیها دارد یعنی کسانی مانند فردوسی و سعدی. و سپس نوشته بودند ولی این گونه استعمالات به تقلید از زبانهای بیگانه است. نگارنده که حکم اخیر را مشاهده کردم با اینکه به مؤلفان آن کتاب ایمان کامل داشتم و آنها را از استادان مسلم زبان فارسی می دانستم در ضمن مقاله‌ای در یکی از مطبوعات معاصر نوشتم: حکم قطعی درباره اینکه «این گونه استعمالات به تقلید از زبانهای بیگانه باشد» چندان پذیرفتنی نیست زیرا متقدمان و بویژه سخنورانی چون مولوی «موسیان» و «عیسیان» و «ابوجهان» و مانند اینها بسیار بکار برده اند و بنا بر این توان گفت که این خصوصیت در زبان فارسی هست و تقلید از بیگانگان نیست. دیری نگذشت که در چاپهای بعدی آن حکم قطعی را حذف کردند و یکی از شواهد متقدمان را هم در پایان قاعده آوردند. باری در خصوص این گونه جمعها هم حدسها زده اند: از قبیل اینکه متقدمان میخواستند به کلمه های مزبور رنگ فارسی بخشند و جمع های بیگانه را نپذیرند از این رو آنها را بار دیگر بفارسی جمع بسته اند یا اینکه معنی جمع بودن چنانکه سزا است بوضوح در فارسی از آنها مفهوم نبوده بدین سبب آنها را بفارسی هم جمع بسته اند اما چنین حدسهایی بدین دلیل نقض میشود که چرا در باره همه جمعهای مکسر تازی این شیوه را بکار نبرده اند. برخی هم بر آنند که متقدمان آنها را در فارسی نوعی اسم جمع مانند: گروه و طایفه و لشکر تلقی میکرده و بدین سبب آنها را جمع می بسته اند چه اسم جمع کلمه ای است که بی داشتن علامت جمع (ها-ان) معنی جمع را برساند و جمع بستن آن هم روا است. نظر دیگر این است که جمع به (ها) در زبان فارسی گاهی معنی کثرت می دهد چنانکه گویند: مدرسه ها

تأسیس کرده و کتابخانه‌ها بنیان‌نهاده‌اند یعنی مدرسه‌ها و کتابخانه‌های بسیار و پیدا است که در خواندن آهنگ صدارا در کلمه‌های «مدرسه‌ها» و «کتابخانه‌ها» بلند تر میکنند تا معنی کثرت را شنونده دریابد و جای تأسف است که در کتابهای دستود زبان فارسی درباره این خصوصیت مهم یعنی تأکید کردن در یکی از اجزای جمله یا کشیدن صدا هنگام تلفظ آن که در عالم معانی هم در بحث تقدم و تأخر اجزای جمله اهمیتی بسزا دارد، گفتگو نکرده‌اند و اگر توفیق دست درآینده در این باره بتفضیل گفتگو خواهم کرد. باری بر حسب این نظر: منظور متقدمان از جمع بستن جمعهای مکسر تازی به (ها) ی فارسی نشان دادن معنی کثرت بوده است و در مثل: عجایبها یا کتب‌ها یا منازلها و صد هائیمونه دیگر که در متنهای متقدمان آمده است نوعی جمع کثرت‌اند بمعنی عجایب و کتب و منازل فراوان و بسیار و شاید بتوان این حدس را که نگارنده اندیشیده‌ام تا حدی پذیرفت اما گفته برخی از کسان که این شیوه را هم مانند هر قاعده یا استعمال یا نکته نا معلومی «تأکید» می‌شمرند بسهولت نمی‌توان پذیرفت.

مولانا لطف‌الله نیشابوری

طالعی با شدم که از پی آب
ور بدوزخ روم پی آتش
ور زکوه التماس سنگ کنم
ور پیامی برم بنزد کسی
بهمه حال شکر باید کرد
اینهمه حادثات پیش آید
گر روم سوی بحر بر کرد
آتش از یخ فسوده تر کرد
سنگ نا یاب چون کهر کرد
هر دو کوشش بحکم کر کرد
که مبادا از ین بتر کرد
هر که را روز کار بر کرد

بقیه از صفحه ۱۶

یازده رساله دیگر که بنام رسائل اشافی ملحق بدین مجموعه شده است در اثبات ولایت نبوت و غیره میباشد.

در این کتاب مسائل عرفان بنحودقیق مورد بررسی قرار گرفته است و باین وافی و شافی مسائل مورد نظر را شرح و بسط داده است، این کتاب که نمودار کامل افکار بلند عرفانی است و مظهر تلفیق شریعت و طریقت و عقل و نقل و ذوق بحساب میآید.

مقام وحدود و ارزش این کتاب

۱- از لحاظ نشر فارسی روان و بی تکلف و مکر در مواردی که موضوعاً ایجاب نمیکرده است از استعمال لغات و ترکیبات نامأنوس خودداری کرده است متضمن لغات بسیاری که فارسی خالص میباشد، جملات کوتاه حاوی معانی بسیار، رسم الخط معمول قدیم در آن رعایت شده است و از لحاظ دستوری میتوان از این کتاب بهره های فراوان برد.

۲- از لحاظ موضوع چنانکه از نام کتاب معلوم است بحث اساسی آن بیان مقام و موقعیت انسان کامل و ارائه طریق به روندگان راه حقیقت میباشد. کتابی است عرفانی متضمن دقائق و رقائق بسیار لطیف و ظریف.

۳- در این کتاب هدفی دنبال میشود جز هدف امثال محی الدین عربی و ابوالقاسم قشیری و ابوالحسن هجویری و ابوطالب مکی و از فصول و مقالات این کتاب چنان برمیآید که وی خواسته است طریقت و حقیقت را بیآمیزد و برای منظور خود از کلمات فلاسفه و اهل شرع نیز بهره گیری نهایت با تأویل و تفسیری خاص.

۴- تأویلات بسیاری دارد که قسمتی از آنها در نهایت علو و دقت و لطافت است و بعضی موارد موافق طبع و ذوق عرفانی نیست.

۵- ذوق اشراقی ایرانی و عرفان هندی و کلمات بزرگان و حکماء ایران و هند استفاده بسیار شده است.

۶- آیات و اخباری که اغلب عرفا بدان استناد کنند در این کتاب ایراد شده است و نحوه تمبیرات آن جالب تر از دیگران بنظر میرسد.

یادآوری

در مقاله بهار کردی نوشته آقای «عبیداله - ایوبیان» در شماره گذشته اغلاط چاپی راه یافته بود و اکنون صورت صحیح آنها نوشته میشود:

صفحه ۱۹ سطر ۱۶ «نشانه» و ۱۳ ح - «گیومو کریان» - ص ۲۰ سطر ۱۵ «چیژنه = cêjne» - ص ۲۱ سطر ۵ «Merî» - سطر ۳ ح - «له بالام» و «ته نیا گولیک» - سطر ۴ - «بیبچده» - سطر ۵ - «میارد» و «قوج معروف میباشد» سطر ۵ ص ۲۲ سطر ۱۴ «اجماع» سطر ۴ ح «منگوری» ص ۲۳ سطر ۳ ح «گرچک» و «ya» ص ۲۴ سطر ۳ ح «کابانی» سطر ۳ «ده ستیک» و «بنیره» سطر ۹ - «چتیکمان» سطر ۹ - «بخه نه» سطر ۱۱ - «Nêw» ص ۲۵ سطر ۱۲ «سرچوبی» ص ۲۶ - سطر ۱۱ ح - «بزوت» - ۷ ح - «بیلندا نان بی».